

تزینات کتیبه‌ای مسجد جامع قزوین

مهناز شایسته‌فر*

چکیده

مسجد جامع عتیق قزوین مانند سایر مساجد جامع کشور، از ابهت خاصی برخوردار است. این مسجد از نوع مساجد چهار ایوانی است و شکل مربع مستطیل، شرقی - غربی و گنبدی، خریزه‌ای دارد. کتیبه‌های خاص آن، از نظر سبک هنری، نگارش و مفاهیم، در هنر خوشنویسی و معماری جایگاه خاصی دارد. این مقاله با هدف بازشناسی و بررسی زیباشناختی، کتیبه‌های مسجد جامع به‌طور عام و شبستان مسجد را به‌طور خاص مورد مطالعه قرار می‌دهد. با مطالعه و تجزیه و تحلیل کتیبه‌های مسجد جامع قزوین می‌توان به زیبایی، فصاحت کلام، محتوا و صنعت ادبی آنها دست یافت و به واقعیت‌های هنری بکر و اصیل کتیبه‌ها پی برد. در این مقاله، پیشینه تاریخی شهر قزوین بررسی می‌شود و در تحلیلی مبسوط به معماری دوران صفویه و معرفی توصیفی مسجد جامع قزوین پرداخته می‌شود. همچنین هر یک از کتیبه‌های مسجد، اعم از آیات قرآن و احادیث و ادعیه معرفی و بررسی می‌شود. روش تحقیق به‌صورت تاریخی، تحلیلی و توصیفی بوده و اطلاعات از بررسی اسناد و همچنین به‌صورت میدانی گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها

مسجد جامع قزوین، تزینات کتیبه‌ای، مفاهیم و مضامین.

مقدمه

بی‌شک مساجد در دوران اسلامی، در رویدادها و حوادث سیاسی، اجتماعی و

* دانشیار گروه هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

فرهنگی نقشی سازنده و تحول‌آفرین داشته‌اند. احداث و تعمیر مساجد، مدارس و عمارت‌های عمومی یکی از واجبات الهی تلقی شده و می‌شود. در اهمیت مسجد، که در پانزده آیه شریفه از سیزده سوره قرآن بدان اشاره شده است، پنجاه و پنج بار از واژه‌هایی از ریشه «سَجَد» استفاده شده است. اهمیت و ارزش این واژه، انسان‌های مؤمن را ترغیب کرده است تا با اعتقاد راسخ خود مساجدی را بنا کنند که بدون نقص، محکم، ماندگار، زیبا و روح‌بخش باشد. این مقاله و پژوهش با استفاده از مطالعه کتب، منابع مکتوب، مصاحبه با صاحب‌نظران در منطقه و بررسی حضوری در مکان، تنظیم شده است. مقاله حاضر، پس از ارائه ارزش و اهمیت مسجد در فرهنگ اسلامی، به سوابق و زمینه‌های تاریخی بخش‌های مختلف مسجد و به‌طور کلی، حکومت‌هایی که در احداث، مرمت و تکمیل این مسجد نقش عمده‌ای داشته‌اند، پرداخته است. این حکومت‌ها از زمان عبدالملک بن مروان امویان آغاز شده‌اند و در زمان هارون الرشید، اماکنی در ضلع شرقی مسجد کنونی، تحت عنوان طاق هارونی بنا شده است. همچنین در دوره ملک‌شاه سلجوقی، بنای چهار ایوانی و شبستان جعفری را فرماندار قزوین احداث می‌کند. با هجوم بی‌امان مغولان، بخش‌هایی از این مسجد تخریب شد که در زمان شاه سلیمان صفوی، گنبد، ایوان دو اشکوبه ضلع جنوبی، مناره‌ها، ایوان و تزیینات ضلع شمالی، احداث و مرمت شد؛ کتیبه‌های به‌جا مانده از این زمان در محل به این نکته اشاره می‌کند. فتح‌علیشاه در زمان حاکمیت قاجار، تزییناتی را با سبک و سیاق ویژه‌ای به مسجد افزود که به‌طور مبسوط به آن اشاره خواهد شد. در نهایت به اجزا و بخش‌هایی همچون سردرها، حیاط، ایوان‌ها و شبستان ضلع جنوبی مسجد و جزئیات کتیبه‌ها، اعم از نوع، کیفیت، تکنیک اجرا و مضامین هر یک پرداخته خواهد شد.

نقش مسجد در فرهنگ اسلامی

از دیرباز در هر آیین و مذهبی، مکان نیایش معبود و آفریدگار، از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار بود و در ساخت و حفظ شرایط و آداب آن، اهتمام ویژه‌ای مبذول می‌شده است. مساجد در کشورهای اسلامی، یکی از مراکز تجلی هنر مذهبی و متعهد به تعالی علوم و فرهنگ بوده است.

مسجد، پایگاهی در برابر تهاجم کفر و شرک است. کشتی مطمئنی در دریای خروشان هواهای نفسانی و آرام‌بخش دل‌های مضطرب و مشوش است. همان‌گونه که در قرآن مطرح شده است، خانه خدا و مأمن مردم، برای ناس، یعنی برای عموم مردم از هر نژاد، از هر صنف، طبقه و قشری که باشد. مسجد تجلی «واعتصموا بحبل الله» است. یعنی به عبارتی، مردم از طریق مسجد با هم یکی شده و وحدت می‌یابند.^۱

مسجد، خانه جماعت و تجلی‌گاه تقوی و پرهیز از هر آنچه غیر خداست؛ محل دوری از تفرقه‌ها و کشمکش‌ها، تجلی اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر و شمیم خوش و روح‌نواز وحدت است. مسجد، خانه‌ای است که در آن معنای «اشداء علی الکفار» قوت می‌گیرد. خانه عشق و رحمت بین قلوب است. در مسجد، «رحماء بینهم» در محملی عاشقانه در هم می‌آمیزند، یکی می‌شوند و یکی را می‌خوانند و برگرد یکی به گردش معنادار می‌نشینند. مسجد، خانه دوری از گناه و اصلاح ذات‌البین است (آیه یک، سوره انفال). مسجد، صراط‌المستقیم و طریق سیر الی الله است که خداوند می‌فرماید «قل سیروا الی الله»؛ مسجد تجسمی از انالله و انا الیه راجعون است.^۲

۱. عباس حاجی آقامحمدی (۱۳۷۷)، *سیمای استان قزوین*، قزوین، طه، ص ۳۶.

۲. محمد عنی آبادی (۱۳۷۸)، «مقاله جبهه‌های جماعت در مسجد»، *مجموعه مقالات معماری مسجد*، گذشته، حال.

آینده، دانشگاه هنر، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۳۱۱.

از جمله مساجدی که در منطقه باستانی و تاریخی قزوین کانون مهم عبادات، مناسک، تصمیمات کشوری و لشکری به‌شمار می‌رود. مسجد جامع کبیر نیست که در دوره‌های اسلامی، بنای آن شاهد مرمت و تکمیل واحدها و قطعاتی از جمله ایوان‌ها، مقصوره‌ها و سرداب‌ها بوده است. بررسی این دوران، نشانگر توجه و عشق و علاقه به کانون مذهبی اسلام یعنی مسجد است.

مسجد جامع قزوین

درباره نخستین مسجدی که در قزوین بنا شده است، هیچ نظریه‌ای وجود ندارد، زیرا پس از گرویدن مردم قزوین به اسلام، مشخص نیست که آیا آن‌ها برای گزاردن نماز، عبادتگاهی ساختند و یا نماز را در محل آتشکده به جای می‌آوردند؟

بنابر روایات، نخستین مسجد در قزوین در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی، در محل مقصوره جامع کبیر کنونی که آتشکده بود، بنا شده است؛ ولی روایت منقول در کتاب *البلدان ابن قتیبه* تدوین امام رافعی نشان می‌دهد که نخستین مسجد قزوین در زمان عبدالملک بن مروان (۸۹۲-۷۰۵-۸۶-۲۷۹) و پیش از عمر بن عبدالعزیز بنا شده است. به این ترتیب که حجاج بن یوسف ثقفی، والی عراق و جبال، پسر خود محمد بن حجاج را به جنگ دیلم فرستاد، اما او کاری از پیش نبرد. به قزوین بازگشت و در آنجا مسجدی بنا کرد که نام آن را توٹ، یا ثوب، یا توت یا شور نوشته‌اند (گلرین، ۱۳۳۷: ۴۷۵).

هارون الرشید، خلیفه عباسی در سال ۸۰۶/۱۹۲ در راه خود به خراسان، به قزوین آمد و مسجد جامعی را در کنار مسجد جامع کبیر بنا کرد و مستقلاتی خریداری و وقف آن بقعه کرد که به رشیدیات مشهور شد. روایت دیگری بنای مسجد جامع را به قاضی ابوالحسن محمد بن یحیی بن زکریا، که سمت امامت و قضاوت قزوین را برعهده

داشت. منتسب می‌کند که اکنون به طاق‌هارونی معروف است. این مسجد از نمونه مساجد دوران اولیه اسلامی است که بنای آن بسیار ساده و عاری از هر گونه تکلف بوده و بنای دیوارهای آن با آجر و مسقف به طاق آجری است.^۱

در سی‌متری مسجد کوچکی که در زمان هارون‌الرشید، فردی به‌نام زکریا ساخته است، نزدیک مدرسه‌ای که در سده چهارم هجری، ابوالقاسم اسماعیل صاحب‌بن عباد، وزیر معروف دو نفر از سلاطین آل بویه - مؤیدالدوله و فخرالدوله - احداث کرده است، امیرمنصور خمارتاش‌بن عبدالله انعمادی شبستان گنبدداری را که معرف طرح اولیه مسجد است، روی بنیاد بنایی احداث کرد که متعلق به قبل از اسلام بوده است.^۲ این بنا در سال ۱۱۰۶۵۰۰ آغاز و در سال ۱۱۱۵۵۰۹ به پایان رسید. مسجد در این زمان بنایی به‌جز شبستان گنبد نداشت.^۳ این مطلب از معماری قسمت‌های مجاور و کتیبه‌هایی که در آنجا مشاهده می‌شود نیز مشخص است. بعدها در سال ۱۶۵۸-۱۰۶۹ به دستور شاه عباس دوم، ایوان بزرگی در قسمت شمالی شبستان خمارتاش احداث شد که مسجد را به صحن حیاط مرتبط می‌سازد.^۴

اجزا و عناصر مسجد جامع کبیر

این مسجد در محله‌ای به نام دباغان، در کنار حاشیه غربی خیابان شهدا (سپه) واقع و مانند مسجد، جامع اصفهان، موزه ادواری شهر شده است. هر یک از حکومت‌های بعد از اسلام در این منطقه، به جمال و عظمت آن افزودند. این مسجد نه تنها از لحاظ

۱. سیدمحمدعبی گلریز (۱۳۳۷)، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، تهران: دانشگاه، ص ۴۷۵.

۲. محور اصلی بنا، یک زاویه ۵ درجه در جهت جنوب غربی به متداد شمال مغناطیسی تشکیل می‌دهد.

۳. بعداً صحنی ساخته شد که در گوشه جنوب شرقی آن، مسجد زکریا واقع بود. سپس شبستانی حدت شد که بنای خمارتاش را به این مسجد متصل می‌کرد. شده ضمهاسب که قزوین پایتخت‌اش بود، به قادری در مسجد مزبور بناهای تازه احداث کرد که پاره‌ی از مؤلفان و را یکی از مؤسسين مسجد صور می‌دانند.

۴. سیدمحمدعبی گلریز، *مینودر یا باب‌الجنه*، ص ۴۸۳.

عظمت در قزوین چشمگیر و نمایان بوده است، بلکه می‌توان ادعا کرد که در سراسر ایران نیز بی‌همتاست. گنبد باشکوه، مناره‌های مجلل، ایوان‌های بلند، گچ‌بری‌های بی‌بدیل و ساختار آن نشانگر بهترین سبک معماری و هنرمندی عصر سلجوقی و صفوی است.

اینک به معرفی بنیان‌گذاران اصلی هر بخش از این مسجد و کسانی که در تجدید بنا و تعمیرات پیاپی آن سهمی داشته‌اند، می‌پردازیم.

درها و سردرهای مسجد

مسجد جامع کبیر قزوین در سده هفتم ه.ق درهای متعددی داشت، اما پس از حمله مغول، تا دوره صفویه از وضع مسجد و درهای آن اطلاع درستی در دست نیست. اکنون مسجد جامع در مشرق دارای دو در تودرتو و در شمال غرب درب دیگری دارد. درب شرقی که مقابل خیابان شهدا واقع شده است، سردری باشکوه و مجلل دارد که مؤسس آن ناشناخته است، زیرا کتیبه آن ریخته شده و فقط یک سطر آن باقی مانده است که خوانده می‌شود: «برکاری کیخسرو غلام خاصه شریفه، به اتمام رسید.»

کتیبه حاج محمد صالح قزوینی (۱۰۷۴/۱۶۶۳) همانند ایوان جنوبی مسجد از بناهای شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲) بوده و تاریخ بنای آن (۱۰۶۹/۱۶۵۸) است، تاریخ سردر مزبور هم پنج سال پس از تاریخ بنای ایوان است و احتمال دارد که سردر مسجد نیز از بناهای آن پادشاه باشد. پس از صد و هفده سال که سردر مسجد در حال تخریب بود، فردی به نام محمد صادق خان نامی، از مردم قزوین، در سال (۱۱۹۱/۱۷۷۷) به تجدید بنای آن پرداخت و کتیبه‌ای از کاشی در آن نصب کرد که حاوی اشعاری است.^۱

۱. این مسجد جامعی که ز حسن مقام از مقتضیات عالم کون و فساد توفیق چو قابلی در این عرصه ندید

پیوسته بود محل فیض رحمان
نزدیک رسید آن‌که گردد ویران
شد شامل حال میرزا صادق خان

پس از گذشت شصت سال، سردر مزبور مجدداً نیازمند مرمت شد. شاهزاده علی‌نقی میرزای رکن‌الدوله، پسر فتحعلی‌شاه، والی قزوین به سال ۱۲۵۱/۱۸۳۵، آن را مرمت و کتیبه‌ای از سنگ مرمر بر آن نصب کرد که اشعاری با خط نستعلیق ممتاز در آن منقور بود. آخرین بار که سردر مزبور رو به ویرانی بود، حاج مهدی معمار قزوینی معروف به «سنمار»، سردر و هشتی آن را با آجر تراش، به صورت مجلل و زیبایی بنا کرد و این رباعی را در کاشی منقوش آن، به رسم کتیبه قرار داد:

این مسجد جامع که بود در قزوین الحق نبود قرینه‌اش روی زمین
 که یاس درش خراب شد از بنیان مهدی سنمار ز نو ساخت متین

(۱۳۵۳: ۱۹۳۴)

در پشت ایوان غربی (برابر ایوان شرقی) دالان کوتاهی وجود دارد که دری به رواق جنوبی و در دیگری به رواق شرقی آن منتهی می‌شود. یک در هم از شمال به حیاط کوچکی باز می‌شود که در شمال دالان است. بالای این در کوچک‌تر از در شرقی است. کتیبه‌ای از کاشی از نوع معرق، به رنگ لاجوردی به خط نسخ قرار داده‌اند، که در آن آیه ۱۸ از سوره توبه منقوش است.

- تا آن‌که به محمودی قبال بنشد
 آن خان منک رفعت حاتم منت
 یارب تو به عمر دولتش افزایی
 گفت از پی تاریخ وی عبدالغفار
۱. به عهد دولت دارای جم شوکت محمدشاه
 خدیو جم خرم فرمانده ملک عجم کار را
 شهنشاهی که در تسخیر تخت و تاج یار آمد
 مهین فرزند رکن‌الدوله فخر دو ده خاقان
 به نام ایزد بنای این در عالی بنا نهاد
 زهی درگاه مقصوری که، مقصور آمد اندروی
 از این در چون درآیی کعبه‌ای بینی که اندروی
 گسر در سجده مسجود گسر در طاعت معبود
- احیا کند این بنای عالی بنیان
 شد باعث محموری این طرفه مکان
 مادام ز مسجد ست و محراب نشان
 مسجد شاه از جناب خان آبادان (۱۹۱۱)
- که از عرش الهش آمده منشور خاقانی
 مگر بینند در آینه جسم بیندش تانی
 همش اقبال خاقانی، همش تابید سحانی
 بدیع عنصر سلطان مورد الطاف خاقانی
 تعالی نه ز چه از مخزن توفیق یزدانی
 قصور صنعت سمنر طرح فکرت مانی
 ملک کردار قومی را همه برخاک پیشانی
 تماشان نه بینی جز دوام دولت بانی (۱۲۵۱)

حیات مسجد

حیات مسجد به شکل مربع مستطیل، درازای آن از شرق به غرب بوده و مساحت آن متجاوز از چهارهزار متر است. در چهار جهت آن، چهار ایوان مرتفع قرار دارد. ایوان جنوبی بلندتر از ایوان‌های دیگر است. دو مناره زیبا در دو طرف ایوان شمالی، سر به آسمان کشیده است؛ دو گوشواره دو طرف ایوان جنوبی قرار دارد که طاق‌های اشکوب اول را با آجر ساخته‌اند، از نیمه به بالای آن را جای پنجره‌ای گذاشته و روی آن را سفید کرده‌اند. در دو سوی هر ایوان، دو رواق طولانی هست که هر رواق به نام امام جماعت یا پیش‌نمازی بود که سال‌ها در آنجا نماز می‌گذاشت.

در بین رواق‌های جنوبی، دو صفا هست. یکی به نام طاق هارونی که بنای آن منسوب به هارون الرشید است و دیگری که طاق احمدیه یا طاق حلاج نام دارد.^۱

ایوان‌های مسجد

همان‌طور که گفته شد، مسجد جامع چهار ایوان دارد. از وضعیت پیشین ایوان شرقی اطلاع درستی در دست نیست. در بین سال‌های ۱۳۱۲-۱۸۹۵-۱۸۹۴ باقرخان سعادت‌السلطنه، والی وقت قزوین، به دستور و هزینه میرزا علی اصغرخان اتابک آن را نوسازی کرد. ولی روسازی آن انجام نشد و ناقص ماند.

ایوان شمالی

این ایوان با دو مناره باشکوهی که در دو طرف آن قرار دارد، که همچنین با کاشی‌های رنگارنگ آذین شده است، به احتمال زیاد از بناهای شاه طهماسب صفوی است. اغلب بناهای آن زمان دستخوش تغییر شده است و کتیبه‌های آن‌ها از میان رفته و

۱. سید محمدعلی گلریز، مینودر یا باب‌الجنه قزوین، ص ۴۸۹.

یا با اسامی مؤسسان جدید مکتوب شده است. این ایوان که قدری از کف حیاط مرتفع‌تر است، دهنه آن حدود ۱۱ متر و عرضش ۱۱۵ متر است. بنابه گفته مرحوم سیدرضای رضوی، ارتفاع مناره‌ها را حدود ۲۳ نوشته‌اند. دو طرف ایوان، چهارحاشیه دارد که به آیات کریمه قرآنی و احادیث مزین بوده است و هنگام فرمانداری سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۲/۱۸۹۵، دو قطعه کاشی معرق با دو جمله منقوش *حَىٰ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَىٰ عَلَى الْفَلَاحِ* در آن‌ها از این قسمت جدا و به قیمت گزافی فروخته شده است. اکنون دو قطعه دیگر هست که یکی *الْفُؤَادَةُ لِلَّهِ وَ دِيْغَرِي اَنْشُرُكَ لِلَّهِ* است (تصویر ۱).

ایوان غربی

این ایوان در مقابل ایوان شرقی واقع شده است که در دو طرف، دو راهروی شمالی و جنوبی دارد، که به هشتی پشت ایوان راه داشته است. درب مسجد اولیه، در طرف غرب این ایوان مسدود بوده است که دلیل آن معلوم نیست. این ایوان هم از آثار دوره صفویه است. از کتیبه آن که به خط نستعلیق در کاشی لاجوردی بوده است، فقط دو بیت آخر آن محفوظ مانده که عبارت است از:

فیضش چو دید افرون ز حد - گفتا به تاریخش خرد - این طاق گل نبود، بود - طاق دل روشن‌دلان (۱۰۸۱/۱۶۷۰) کتیبه انفقیر کاووس مصور غلام شاه ولایت شریف کاشی‌یز.
از این رو بنای مزبور، در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده و به احتمال زیاد از بناهای همان پادشاه است. دهنه این ایوان ۹ متر و طول آن ۱۲ متر است. از این ایوان یک راه به رواق جنوبی ختم می‌شود و یک ارسلی سه‌چشمه هم از ایوان به رواق شمالی باز می‌شود.

ایوان جنوبی

مهم‌ترین و زیباترین ایوان مسجد، ایوان جنوبی است. این ایوان از لحاظ عظمت، بلندی بنا، اسلوب و تزیینات متناسب، از بناهای کم‌نظیر به‌شمار می‌رود. بانی آن شاه

عباس دوم صفوی است که در سال ۱۰۶۹/۱۶۵۸، به اتمام آن موفق شد است. دهانه ایوان ۱۵ متر و عرض آن ۱۳ متر و ارتفاعش ۲۱ تا ۲۲ متر است. ازاره‌های ایوان با سنگ و بقیه با آجر تراش بنا شده است. در فاصله آجرها به جای بندکشی با گچ، کاشی‌های باریک به رنگ لاجوردی به چشم می‌خورد. اسلوب ساختمان ایوان به گونه دو اشکوبه است و اشکوب زیرین به صورت سه چشمه در جنوب واقع شده است. که ورودی و خروجی شبستان زیرگنبد به شمار می‌رود و دو چشمه هم در شرق و غرب است که به رواق‌های دو طرف گنبد انشعاب می‌یابد. بالای اشکوب اول، مطابق چشمه‌های تحتانی، پنج غرفه فوقانی بنا شده است که راهروی آن‌ها از پلکانی بین دیوار. ایوان و گنبد بوده است، که در حال حاضر مسدود است. بین اشکوب اول و دوم، کتیبه باریکی به خط نستعلیق به رنگ لاجوردی در کاشی لیمویی‌رنگ وجود دارد^۱ (تصویر ۲).

بالای اشکوب دوم، کتیبه دیگری دیده می‌شود که به خط نسخ عالی است و سوره مبارکه جمعه به رنگ طلایی در کاشی لاجوردی منقوش و آخر آن چنین است: غلام شاه ولایت شریف کاشی‌پز (تصاویر ۳ الی ۸).

۱. به توفیق حضرت ربانی این بنا فیض اساس آسمان‌نما به فرمان قضا جریان قدرت توامان نواب سپهر کامیاب همایون اعلی براننده سریر جهان‌بانی فرازانده (ب) (رایت) کشورستانی ختر برج سعادت و حشمت گوهر درج جلالت و عظمت سوزنده خرمن ظنه و فساد فروزانده چراغ عدل و داد فارس معنای سروری حارس مذهب حق جعفری، بدر منیر زمین و زمان و ابرمضیر جود و احسان شکننده پشت مخافتان دین مبین و برهم زننده قاضعان ضریق سیدانمرسلین، مفتاح ابواب شاهنشاهی زبینه، القاب مستطاب ظل نهی کحل جوهر دیده اصناف بنی آدم مونی ملوک العرب و انجم السلطانین السلطان الخاقانین الخاقان مؤید به تأییدات سبحانی ابوانمطفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی الثانی خندانته ملکه و سنانته و افاض علی العالمین عدله و احسانه مضیق سنه تسع و ستین و الف من الهجرة النبویه علیه افضل التحیه به انجام رسید - الهی پیوسته این مقام مجمع عباد و مؤمنان و مثبت بخیل دعوات اجابت قرین بوده شمار آثار آن حلاوت‌بخش کام عمر دولت و اقبال آن صاحبقران فرخ‌فال و آن سایه حضرت ذوالجلال و آن مطاع و ملجای مغنوب و غالب و آن نهال برومند حدیقه علی‌بن بی‌طالب باد به محمد و آله الهی مجاد. کتیبه العبد المذنب کاووس نقاش غفرله ذوبه مشقه حاجی محمد صنح مذهب قزوینی سنه ۱۰۶۹.

در قسمت جنوبی ایوان سه‌چشمه، راهرویی هست که ورودی و خروجی شبستان (گنبدخانه) زیرگنبد به‌شمار می‌آید و همچنین دو ستون عظیم دارد که قطر هر یک ۹۵/۵ سانتی‌متر است. در جبههٔ هریک از ستون‌ها، لوحه‌هایی از سنگ‌های مرمر صیقلی نصب شده که سطور آن نیز به خط نستعلیق نوشته شده است (تصویر ۹).

لوحهٔ دست راست که عبارت است از هشت قطعه سنگ مرمر، در زمان شاه سلیمان صفوی و به فرمان او ساخته شده و تاریخ آن سال ۱۰۸۱/۱۶۷۰ است^۱ (تصویر ۱۰).

۱. العادل البادل - خالقی را گزارش سپاس که هرسائه شاهین میران را در استوای وزن نیل و نه‌بار به مصداق کریمه «ان الله بائر بالعدل و الاحسان» در پنجهٔ تعدیل آفتاب منیر انتصاب فرمود درود صاحب شریعتی را که معامل ایجاد به‌صلای جان‌فزی نولاک لما خلقت الافلاک صاع بیمی را در چار سوق عناصر با عید خریداری شفاعتش گشود عیبه و آله و اهل بینه صلوات الله و سلامه سیما علی بن عمه و نفسه و طهره و طهره امیران مؤمنین و امام المتقین عیبه افضل الصوات. اما بعد، غرض از تسطیر و تصویر این سطور این است که در معامنهٔ بیچی نبی (پیچین نیل) سال سابق نصیب آقا و غیره و قورچیان دیوان اعلیٰ به عرض نموده‌اند که قیابنداری دارالسلطنه قزوین ابولجمع نیست و به مبلغ پانزده تومان تیریزی به همه ساله ایشان مقرر شده بود و از ابتدا سنهٔ مذکوره بر طبق عرض بقالان و کاروانسراداران دارالسلطنه مزبور پرونجه شریف نواب خاقان جمجاه فلک بارگاه خلد آشیان فردوس مکان مورخ به تاریخ شهر شعبان‌العظیم سنه ۱۰۴۸ عزا صادر یافته که چون به عرض رسید که در دارالسلطنه قزوین هرگز قیابنداری معمول و متعارف نبوده و رسم محدث و بدعت است و استدعا نمودند که رسم محدث معمول نگردد و کلاتران سابق دارالسلطنه مزبوره تصدیق نموده که در ایام جلوس نواب گیتی ستان که مرحوم سنمان‌خان وزیر و داروغه و متصدی دارالسلطنه مزبوره بوده و چه مزبور را شخصی اجاره نموده بود وزیر مزبور مشارالیه را دحل نداده محضری در دست داشته، به دیوان اعلیٰ فرستاده دیو نیان به حقیقت رسیده؛ چون رسم محدث بود، اجارهٔ مذکور را بر طرف نموده و وزیر و کلاتر حل به شرح فوق عرض نموده‌اند. بنابراین مقرر فرمودیم که مستوفیان عظام وجه مزبور را از دفاتر اخراج نموده من بعد یک دینار حواله و اطلاق نمایند. به‌عهدهٔ حاکم و وزیر و کلاتر که امداد حسابی نموده، هرسائه حکم مجدد طلب ندارند و در معامنهٔ هذه السنه ایت نیل مطابق ۱۰۸۱ که کمترین بندگان درگاه خلایق پناه سپهر دستگاه عرش اشتباه عباس قلی زنجنه (معرب زنگنه یا رنجنه) دست از پی برده بعد از تحقیق و تشخیص ظاهر و محقق کردند که از تاریخ غرو رود حکم جهان مطاع آفتاب شعاع سی آلان جماعت بقالان و کیلان میدان و محلات و قیابداران و کاروانسراداران دارالسلطنه مذبوره از هرورق‌ری (باری) غله و سایر حبوب که یوزن در می‌آورده‌اند از هر شتری مبلغ چهل دینار و الاغی بیست دینار و پنجاه دینار و هشتاد دینار کمابیش به‌عست قیابنداری و هوایی می‌گرفته‌اند و

لوحه دست چپ مربوط به زمان فتحعلی شاه و فرمانداری علی تقی میرزای رکن آندولته بوده که به نیابت برادر خود، فرمانداری قزوین را عهده دار بوده است (تصویر ۱۱).

→
 هر ساله مبلغ کمی به عمل می‌آوردند بعد از آنکه همگی حضرت اهالی شرع شریف و عمال خجسته اعمال و عیان و کسب‌خانیان اجلاس و جماعت بقالان و کیلان و کاروانسراوران و سایر ارباب میزان جمعیت نمودند. فواید یافت که چون وجه قیانداری از دیون اعلی به تخفیف و تصدیق مقرر شده بود که موجب رفاهیت رعایا و برپا و ضعفا و مسکین و برطرف شدن بدعت و رسم محدث بوده باشند و جماعت اشرف کیلان و غیره مذکوران فوق در لباس مذکوره مبلغی خطیر از رعایا و مسکین می‌گرفته‌اند من بعد لیوم جماعت مذکوره از هر وقری شتری غله و سایر حیوانات که بکصد من تریز بوده باشد مبلغ ده دینار قیانداری از مشتری و زروغن و خرما و سایر جناس مبلغ پنج دینار قیانداری و بیست دینار به عت هو بی از خریدار و فروشنده بامناصفه بازیافت نمایند و از جناس مذکوره سیما ز زروغن و انگور و غیره چیزی بحسب ابعش) که در اصطلاح چاشنی گویند برنورند و منعرض حال ضعفا و مسکین نشده بگذارند که به دعاگویی دوم دولت بدمدت و نی نعمت عالم و غنمیان شتغال نمایند و اگر برخلاف مسطور عمل نمایند به غضب و سخط الهی و نفرین حضرت رسالت پندی و حضرات ثمة طاهرین گرفتار گشته مرد و دو معضوب آبدی بده باشند و نیز در بین باب از همگی جماعت مذکوره فوق التزام بازیافت شده که هرگاه خلاف مسطور ظاهر شود و حدی از ایشان یک دینار اضافه ضمع نموده باشند، مبلغ دوازده تومان به حاکم دارالسطنه قزوین ددی باشد و بمافیة الاجلاس و کان ذلک فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۸۱.

۱. به عهد دولت فتح علی شهنشاه دهر
 پناه ملت دین افتخار نایب و نگین
 علی نفسی شه عدل که مسجون و منبر
 زو نظاره پذیرفت هم جو ملت و دین
 جو یافت رخصت نهضت ز شهریار بزرگ
 به فرم نضم خراسان ز خطه‌ی قزوین
 ز عدل فل و فرشه مده و یردی انک
 گزین بر درش این بوم و برگزید مین
 پی دعای شهنشاه شاه و لاجاه
 که آفرین به نژاد وی ز کهن و مهین
 ز دود دوددی بدعت سترد طنمت ظلم
 چوبت ز کعبه و کفر از جهان رسول مین
 نگاشت حکم رفیع و رساند ذکر دعائش
 به عرش میل و آمین سرود روح لآمین

چون مدت زمانی بود که ساحت در سلطنه قزوین به فرقدوم میمنت لزوه نواب کامیب شاهزاده و لاگهر نامدار صاحب بند ختر عالی‌مقدر علی تقی میرزا غیرت بهشت برین گشته سحاب عطفوت و آفتاب رحمتش در شهر و بوکات ریزن و تابان ست هر یک از اهل این بد از نیک و بد به مقتضای قابلیت فصری که در جبلت ایشان کمون داشت ز فیض تربیت مبارکشان رموز خدمت آموختند و کنوز قدمت اندوختند مصدر خدمات لایقه شدند و مرجوع گفته‌های شایعه شدند هرگونه خدمات شایق و بین لامثال سابق گشتند. به مکافات و تلافی خدمات چندین سانه مورد و مستحق رفاهیت گردیده بنا بر عدل و دد نواب والا صاحب نیکونهاد را رأی مبارک و میل



شبهستان معروف به طاق جعفری

تاریخ بنای اولیه و اصلی گنبد و بانی آن، پیش از آنکه به صورت مسجد درآید، معلوم نیست. از نظر باستان‌شناسان، این بنا از بناهای دوره سامانیان بوده است. اسلوب بنا نیز نشان می‌دهد که بقعه نام‌برده از پیش آتشکده بوده و چنان‌که مشهور است، در

اشرف مایل به ظهور آسایش ختی و به ستحصال دعای خیر به جهت دوام و بقای عمر و دولت جاوید مدت همیون پادشاه جمجاه ظل‌الله روحی و من یروح فده توفیق حسته مقصود آن مطلوب چنان بود که درخت هرگونه مفاسد که سایه آن باعث توحش و تزلزل عباد ست برافکننده و بن و بیخ آن به نیروی بازوی همت رفیعشان برکنده شده نام نیک‌شان به یادگار ماند چنانچه بعد از نهضت نواب معظم الیه به سمت خراسان که حسب الامر قبله عالم و عالمیان قامت اعتبار ما به طرز فرمانفرمایی و حکمرانی این ولایت منظور و نظم مهمات این صفحات به نیابت برادر و لاگهر به کف کفایت و کفالت ما مرجوع آمد ما نیز تاسی به کردار و رفتار صاحب نامدار فرمودیم و حسب الامر نواب معظم به در مقام سترفاه اهل این بلد از نیک و بد برآمده عموم سکنه محلات مزبور را از هرگونه تحمیلات دیوانی که از روی بیبجه در عهد قدیم مخترع بود از تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۸ و ما بعد معاف و به امثال امر نواب صاحب کامیاب به قید لعنت دمه ابدی مرفوع القلم فرمودیم که دیگر مابعدها از مباشران سرکاری و ممکنی و کدخدایان محلات عم از حونه نقدی یا صادر و وارد ولایتی از مقونه هنگام ورود اردوی شاهی و خروج میهمانی و مترو دین و نزول میهمان و مطالبه فروش و اوانی و ظروف و عمده و کشیک عمارت و بر خررجی و تحمیلات باغبانان باغات عمارات سرکاری و خانه نزول به عننت کروی پای شی ای کان به هراسم و رسم که در محلات معمون می داشته اند موقوف قلم و قدم را از حوالجات مرفوع دارند مقرر آن‌که عالی‌جاه رفیع جایگاه مجتد و نجات همراه مقرب الخاقان میرزا بزرگ و زیرسرکار و عالیجاهان مستوفیان و مباشران سرکاری و کلانتر و عمال خجسته اعمال و کدخدایان و رئیس سفیدان و قاطبه سکنه قزوین مضمون حکم محکم مطاع را به گوش عبودیت نبوش اصقاع و ثبت دفاتر خود کرده از شایبه تغییر مصون و تخلف از حکم والا را موجب تنافی رأی والا و باعث غضب و نفرین و لعنت بدی و عده رضای خائق بی‌چون دانسته در هیچ عصری از اعصار به نقض بن قرارداد لعن و توبیخ دنیوی و اخروی را بر خود نه پسندیده و در عهده شناسند تحریر فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۸ قد اتفق علماء تشیعه بل جمیع الفرق و لملل علی ان بانی هذه البنا الخیر فی جوار الله و رحمه و مبدئیه و مخربیه کالابلیس المرود فی لعنه الله و ملائکته و کتبه و رسنه - حرره محمد المتولی المتخلص بمایل (سید محمد علی گریز، میودر یا باب‌الجنه قزوین، صص ۴۹۹-۴۹۸ و ۵۰۱-۵۰۰).

۱. شبهستان مقصوره نیست. مقصوره جایی برای قدرتمندان بود. امکان داشت مساجد مقصوره داشته باشند. ما حتماً شبهستان درند.

زمان عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱/۷۱۹-۷۱۷) به مسجد تبدیل شد. طی دوران متفاسوت، حاکمانی همچون هارون الرشید و وزیر فخرالدین دیلمی، مرمت، احداث و تکمیل بنای مذکور را انجام دادند، تا اینکه در شوال سال ۵۰۰/۱۱۰۶ امیر زاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی، ساخت مقصوره بزرگ، گنبد، صحن، مدرسه و خانقاه این مسجد را آغاز کرد و در رجب سال ۱۱۱۵/۵۰۹ که در کتیبه دیگری ۵۰۸/۱۱۱۴ قید شده است، بناهای مزبور را به پایان رساند و خطیب به این جامع انتقال یافت. وی دیه‌ها و مستغلاتی نیز وقف این بناها کرد که در برخی از کتیبه‌های مقصوره مسجد ذکر شده است. همچنین سراجیه (پیش‌سرا) جداگانه دیگری رو به قبله بنا کرد که در آن، مجلس تفسیر و حدیث منعقد می‌شد و در سال ۵۴۸/۱۱۵۲ عمارت آن به پایان رسید. این بنا با حمله مغول، در هفتم شعبان سال ۱۲۲۰/۶۱۷ دستخوش ویرانی‌هایی شد که شرح کامل آن در کتاب *ظفرنامه*، اثر حمدالله مستوفی منظور شده است.

شکل گنبد که در کتیبه‌های شبستان به قبه از آن یاد شده است، به گفته صاحب آثارالبلاد، بطیخی است، یعنی فرم خربزه‌ای دارد. گنبد مزبور بسیار عظیم و مرتفع است؛ روسازی زمینه آن از کاشی لاجوردی بوده و با کاشی‌های رنگارنگ زینت یافته است (تصویر ۱۲). مساحت هر ضلع گنبد ۹ متر، محیط آن ۵۵ و ارتفاعش از کف مقصوره تا نوک، بالغ بر ۴۶ متر و تا زیرطاق در حدود ۳۱ متر است. طبق بررسی پی‌های دیوار مقصوره برای مرمت، بالغ بر ۶۱ متر است. مساحت مربع طاق جعفری نیز ۹۷ مترمربع می‌شود. از مقصوره مزبور دو راهرو، هریک به عرض ۴ متر به رواق‌های دو طرف می‌رود. همچنین در دیوار شرقی، دو ارسی سه‌چشمه و نیز در دیوار غربی یک ارسی سه‌چشمه دیده می‌شود که به رواق‌های شرقی و غربی باز می‌شود.

در وسط دیوار جنوبی شبستان، محرابی وجود دارد که از سنگ‌های مرمر صیقلی و شفاف، بنا و به کاشی‌های رنگارنگ مزین شده است. یک قطعه از مرمرهای منصوب در

وسط محراب چنان شفاف است که هنگام تابش خورشید، از پشت محراب مانند چراغی روشن است. در جبهه محراب، کتیبه مختصری است که به دستور شاهزاده علی نقی میرزای رکن‌الدوله در سال ۱۲۳۸ ۱۸۲۲ با خط نستعلیق در متن ساروجی گچ‌بری شده است. ظاهراً در سال مذکور، به دست همین شاهزاده در این محراب تعمیراتی شده است که رباعی زیر اثر شیخ محمد مایل، متولی مسجد، مبین تاریخ آن است.

این کعبه امر شه با تاج و نگین شهزاده علی نقی چو بگرفت آیین
مایل چه منک به سجده تاریخش گفت از همت شه به پای شد کعبه دین

(۱۸۲۱/۱۲۳۸)

کتیبه‌نگاری در شبستان مسجد جامع

قبل از بازخوانی و توضیح مجموعه کتیبه‌های باقی‌مانده در شبستان جامع، لازم است به تعریف کتیبه و هدف بهره‌گیری معماران و هنرمندان کتیبه‌نگار از این فن اشاره شود. در فرهنگ نفیسی، کتیبه این‌چنین معنا می‌شود: «مأخوذ از تازی به خط جلی، نسخ و یا نستعلیق و یا به خط طغری و یا به خط کوفی بر دوره مساجد، مقابر، اماکن متبرکه و سردر دروازه‌ها و بزرگان نویسند و یا نقش کنند و کتابه نیز گویند»^۲ و به اصطلاح، نوشته‌ای است به خط درشت که آن را از کاغذ بر صفحه‌بندی کاشی‌ها یا سنگ انتقال داده و منقور و منقوش می‌کنند. مضمون کتیبه‌ها که در بناهای ایران فراوان است، شامل آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و ائمه اطهار، شعر، تاریخ بناها، وقف‌نامه‌ها، دستورات حکومتی و امثال آن است.

۱. سیدمحمدعلی گلریز، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، ص ۵۰۵.

۲. عبی‌اکبر نفیسی (ناظم‌الاضباء)، (۱۳۴۳)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ج ۴، ص ۶۳-۲۷.

هدف از خلق چنین کتیبه‌هایی با چنین مضامین مقدسی در جایگاه بلند مساجد، تکایا و بقاع متبرکه، این است که روح مؤمنان با کلام خدا در ارتباط باشد؛ در حقیقت معرف واکتس روح عرفانی هنرمند مسلمان به پیام‌ها و دستورات الهی بوده است. چنان‌که براساس یک گفته قدیمی اسلامی «خوش‌نویسی، هندسه روح است». حروف، کلمات و آیات قرآن صرفاً عناصری از زبان مکتوب نیست، بلکه دارای وجود و شخصیت است و قالب خوشنویسی، مطروف مادی و بصری آنهاست. به‌کارگیری خط و خوشنویسی در مساجد ضمن تلطیف و تحسین فضا، رواق‌ها، شبستان‌ها و داخل و خارج بنای مساجد، اشاره به این معناست که همه موجودات خاکی و افلاکی، در تمامی لحظات، تسبیح‌گوی ذات اقدس‌اند؛ همان‌طور که خداوند در آیه ۱ سوره حشر می‌فرماید: يُسَبِّحُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...». این آیه به وضوح بر واقعیت تسبیح‌گو بودن تمامی عناصر طبیعت و موجودات صحه می‌گذارد و ما را در درک این واقعیت یاری می‌رساند.

اهمیت طاق یا شبستان خمارتاشی، گذشته از بلندی بنا، به کتیبه‌های نادری است که این بقعه معظم را در شمار یکی از آثار مهم دوران باستانی قرار داده است. در این گنبد پنج نوع کتیبه با نهایت ظرافت و زیبایی گچ‌بری شده است.

بحث پیرامون این واقعیت الهی، بسیار فراوان و از محدوده این مقاله خارج است؛ اما آنچه که در اینجا بدان پرداخته می‌شود، درج متون فارسی یا عربی کتیبه‌های مسجدجامع است؛ از جمله نوع خط، روش اجرا و مفاهیم کتیبه‌ها که به شرح ذیل بیان می‌شود:

کتیبه کوفی مسجد

خط کوفی به کاررفته در کتیبه مسجدجامع قزوین از انواع مورق است که عرض آن ۶۸ سانتی‌متر و حاشیه خطی بالا و پایین آن، به قطر ۲ سانتی‌متر است، که به طرز بدیع و ظریف گچ‌بری شده و نمونه‌ای از شاهکارهای هنری است.^۱

این کتیبه در ضلع غربی، پایین‌تر از کتیبه نخستین، آغاز می‌شود و از طول دیوار غربی تا مقداری از دیوار جنوبی امتداد می‌یابد. این کتیبه یک ردیفه، سه ضلع مربع دیوار شبستان را در بر می‌گیرد. دنباله کتیبه بعد از کلمه (عَفُوذَهَا) به صورت یک کتیبه دو ردیفه با کلمه «وَسَجَلَاتَهَا» آغاز شده و تا پایان کتیبه ادامه یافته است.

در ضلع شمالی به واسطه گذرگاه ایوان به گنبد، چند متر بریدگی وجود دارد؛ مجدداً از شرق شروع می‌شود و تا انتهای دیوار شرقی ادامه می‌یابد. در دو طرف این بریدگی، خطوط ریزتر و هر دو طرف، دو ردیف (دو سطر) دارد و به عرض ۳۴ سانتی‌متر می‌رسد و در نهایت جمع عرض کتیبه در دو سطر ۶۸ سانتی‌متر است. این قسمت دارای سه حاشیه خطی جمعاً به عرض ۶ سانتی‌متر است. چند قسمت مختصراً ریخته شده است، ولی بقیه سالم مانده است و هیچ کلمه ناخوانایی نیز ندارد.

متن فارسی کتیبه

خدای والا گفته است خوبی‌هایی که برای خود پیشاپیش می‌فرستید، آنها را نزد خدا خواهید یافت و آن از پاداش‌های دیگر بهتر است. خمارتاش، پسر عبدالله می‌گوید:

«وقف نمودم بر این گنبد و مدرسه متصل بدان سه ربع قریه هراس آباد و ۱۵ سهم از قریه جبوران و همه بستان جیلان (جیلان) و بستان‌های امامان در راه جوسق (کوشک) و تاک‌های گسترده در راه دو طرف رود ابهر و پایین آن که مشتمل است بر هجده بستان و یک سهم از دو سهم آسیای معروف به قاسمان با دو بیشه‌ای که در اطراف آن است و در دوره دیزج واقع شده و همه آسیاب‌های قزوین ... وقف صحیح بر طبق عقدنامه».

متن عربی کتیبه

«بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى و ما تقدموا الا انفسكم من خير تجدوه و عند الله هو خير و اعظم اجرا -
بقول خمارتاش بن عبدالله و قفت على هذه القبه و المدرسه الملاصفه لها ثلاثه ارباع
قرية هراس آباد و خمسه عشر سهماً من قريه جبوران و جميع بستان جيلاز (جيلان)
و جميع بستان امامان بطريق الجوسق و جميع الكروم واسطه بطرف (بطريق) نهر ابهر و
مادونه و يشتمل على ثمانيه عشر بستاناً و سهماً واحداً من سهمين من جميع الرحي
المعروفه بقاسمان مع جميع الغيظيين اللتين بخلفهما و هى على وادى ديزج و جميع
الحوانيت التى بقروين تكاد و مع الا... وفقاً صحيحاً على ما تنطق به عقودها...»

کتبیه اول

به خط ثلث و قلم درشت به صورت محرابی از بالای محراب (ضلع جنوبی) شروع و
به هشت ضلع ساقه گنبد گچبری انتقال می یابد. عرض کتیبه حدود ۴۰ سانتی متر و بدون
تزیینات درونی است و دور دیوارهای شبستان به صورت زیبایی تکرار شده است.

۱. بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوة على نبيه محمد سيد المرسلين و امام المتقين و رسول رب
العالمين الى الخلق اجمعين و رحمه الله على منيع الافتخار و معدين نواقر و علم المهاجر و لانصار علم اتبع لاعلى به و
من امن لله و تعلاه و اعلى جو والا و سرو الاسرار ثم على الشيخ المعمر و الامير المنور على نور ناطلما يوم نلدارين على
امير المؤمنين و امام المسلمين و ابن عم رسول و زوج يتولى ابى الحسين مظهر المعانين و مظهر الغرائب الشهاب الثاقب
و غائب كل غائب و نقطه ديرهى المطائب على بن ابى طالب تعيينه فى ايام دوله (بوله) اتملك انعدال السلطان
المعظم مالک العرب و العجم عماد الدنيا (غيث) والدين ابى شجاع محمد بن منكشاه قسيم امير المؤمنين (عزه) امر الله
نعرته و اعلى فى الاقدار قدره و فى ولايه الامير الاسفلاز مجد الدين اتبع الوصى الا بالله عليكه و لله (استقاضى) اللعوس
(۱) بن بوران نصر (۲) امير المؤمنين پناه دنديا والدين و قد اجرى الله (تبارك) تعالى. ذلك على يد لاميير الموفق
نمرضين الافعال: المجاهد فى الله ابومصور خمارتاش بن عبدالله عمادى ابتفاء لمرضات الله و ضباً نوايه و هرباً فى اليم

مضامین کتیبه اول

ابتدای متن در خصوص مناقب و ویژگی‌های روحی حضرت ختمی مرتبت و امام علی (ع) است و سپس از ملک‌شاه سلجوقی در حکم ناظر بر اوامر و نواهی خداوند یاد می‌کند. ابومنصور خمارتاش، حاکم شهر قزوین را نیز مجاهد در کسب رضایت خداوند معرفی می‌کند و بنای ساخته شده به دستور او را با قید تاریخ ۷۰۰/۱۰۶ به مدت ۹ سال منظور می‌کند. این کتیبه به آیات قرآنی مزین است که در داخل گیومه مشخص شده و اعراب دارد.

کتیبه دوم

این کتیبه به خط کوفی جلی و بسیار زیبا که عرض آن در حدود ۰/۵ متر است و با طرز بدیع و اسلوبی ظریف گچ‌بری شده است؛ نمونه‌ای از شاهکارهای هنرهای زیبا که همتای آن در سراسر ایران معدود است. این کتیبه از ضلع غربی پایین‌تر از کتیبه نخستین آغاز شده و از طول دیوار غربی تا مقداری از دیوار جنوبی امتداد می‌یابد. در این قسمت، جلوی محراب چند متر قطع شده است و ادامه آن از سمت شرق محراب و تا انتهای دیوار شرقی ادامه می‌یابد. در دیوار شمالی قسمت وسط که معبر ایوان به گنبد است، فاصله‌ای در کتابت کتیبه افتاده و در دو طرف این بریدگی، خطوط ریزتر شده است. در هر طرف، سه سطر به صورت گچ‌بری نگارش یافته است و سرانجام کتیبه در انتهای ضلع شمالی به پایان می‌رسد. از این کتیبه دو قسمت مختصر ریخته و از بین رفته است، اما بقیه سالم است. البته

عذابه و وسل عقابه و متسارعا ائی مغفرة ربه و جنه عرضها السموات و الارض اعدت للمتقین فی مدته تسع سنین اوله شهور سنه خمسمائه و آخرها انتها سنه ثمان و خمسمائه و هو بحمدالله علی ذلک حق حمده و نشکره و کفأ شکره و یقول «هذا من فضل ربي ليبلوني» أشكرهم أشكرهم أشكرهم من شكر فأنا أشكر نفسي و من كفر فأنا ربي غنى كريم، و نسل الله ان يجعل ذلك خالصاً لوجه و تعمله برحمته و لا يتناقشه في محاسبة و يجعل من الذين يتو فيهم الملائكة طيبين يقولون: سلام عليكم ادخنوا الجنة بما كنتم تعلمون» و رحمه الله من نظرفي يوم لغده قبل خروج الامر من يده فانه لا يد مقولا من الدنيا الى الآخرة.

(۱) شاید این کلمه اللففست بن توران یا پوران باشد. (۲) شاید نصیر باشد.

هیچ کلمه ناخوانایی در آن وجود ندارد^۱ (تصویر ۱۳).

در این کتیبه، با ذکر این آیه قرآنی که مضمون آن درباره کار نیک بوده و این حقیقت که اجر و پاداش آن در نزد خداوند است، موقوفات خمارتاش به مسجد جامع بیان می‌شود. مواردی همچون باغات، نهرها، فئات‌ها، آبادی‌ها و مناطق اطراف قزوین از موقوفات مسجد جامع است.

کتیبه سوم

این کتیبه به خط کوفی بر زمینه‌ای مارییج و گلدسته‌مانند قرار دارد که از شرق محراب آغاز و در غرب آن پایان می‌یابد و شامل کل آیات سوره مبارکه بقره است که خط آن از حیث ظرافت و زیبایی، از نوادر صنعت خط به‌شمار می‌آید (تصویر ۱۴).

کتیبه چهارم

این کتیبه به خط نسخ - ثلث است که از جانب شرقی محراب شروع و در انتهای ضلع شمالی پایان می‌یابد و شرح موقوفاتی است که خلد آشیان خمارتاش بن عبدالله رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از خود باقی گذارده و موارد مصرف آن‌ها را نیز معین کرده است.^۲

۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا - يقول خمارتاش بن عبدالله وقت علی هذه بقعه و المدارس الملائقه بها ثلثه ارباع قرية هراس آباد و خمسة عشر سهماً من قرية جيوران و جميع بستان جيلاز (جیلان) و جميع بستان امامان بطريق الجوسق و جميع الكروم الباسطه بطرف (بطریق) نهر بهر و مادونه و يشتمل علی ثمانية عشر بستانات و سهماً واحداً من سهمین من جميع الریحی المعروفه بقسمان مع جميع الغیظین الثمین بخلفها و هی علی وادی دیزج و جميع الحوائت الثی بقروین و قفا صحبا علی ما ینتق به عقودها و سجالنها و وقتت علی مساکین مدینه اثنی (ص) سته عشر سهماً من سهام قریه ملولان و وقتت علی نقفادی الخمارتاش علی ما ینتق به العقود شریبا نظماً و جریا المتنوع فی دیوان السلطان و غرض فی هذا الکتابه قطع [ریخته شده] عی هذه المدارس ایضا سهماً واحداً من سهمین من کروم البستان [ریخته شده] علیها و عی مدرستها سهمین و نصف و لیس لأحد تغییرها و تبدیلهما فمن ذلك فعلیه لغنه الله و الملائکه و الناس اجمعین.

۲. عین متن کتیبه مزبور چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - هذا من فضل ربی لیلوتی اشکرام اکفر و من شکر فائما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم - يقول العبد الضعیف الفقیر الی رحمة الله خمارتاش بن عبدالله العمادی

مضمون کتیبه با نام خدا و آیه مشهور شکرگزاری بنده از نعمات الهی شروع می‌شود و سپس اقدامات خیر والی قزوین، خمارتاش بن عبدالله، شرح داده می‌شود. موقوفاتی از قبیل بناها، عمارات، اراضی و آبادی‌های منطقه قزوین نام برده می‌شود و

→ اعطاء لله مسؤله و بنغه فی الدین مأموله وقتت و تصدقت عنی الدویره مرت (به) بناها و عمارتہا بمکہ حمها الله من المافات فی حرم لله تعالی بخمسہ و عشرین (ستین) سہماً من قریہ تدعی بہ ششین [کنونین آبادی ر که جشن معروف بود سلطان آباد می‌گویند] و تصدقت ایضاً بالکروم التي هی فی ایدی نسکان بہ و غیرہم عنی التفصیل المکتوب فی السجل الناطق بالوقیفہ و السہم سہام [و سکنها من اهل تصوف] اهل التصوف لئین تأدیو بأدب لله تعالی لاخیار منهم و الا برار المتقین بہ جمیع الثین و عشرين [اثنی و عشرين] سہماً من سہام قریہ تدعی بصا مغان و بہ جمیع المراضی لئوی [لئوی] فی ید الخضب ابی صاهر و يعرف بکارسہ [بکارسہ] و بہ جمیع المراضی المعروفات بکارسہ [باکارسہ] [ناحیہ و نسکری] و تصدقت ایضاً بہ جمیع خمسہ عشر سہماً من سہام قریہ تدعی باروجین [باروجین [ملولان]] و تصدقت ایضاً بخمسہ عشر سہام القریہ لموعودہ بششین و تصدقت ایضاً بنصف جمیع الریحی المعروفی بقاسمان اثنی ہی عنی وادی دیزج و تصدقت ایضاً بجمیع اثنی عشرہ بستانات اکرام بقزوین يعرف بدسکہ [سبیکہ] ممایلی لئہذا الذي یجری فیہ لئام لئی البستان منها اربع قطع علی یمین لدخل فی البستان من مجری الماء قضعی منها يعرف بکار درده [وزدہ] و ثلاث قطع متضمہ بہا و علی شمال الدخول فی البستان فیہ من مجری الماء اربع قطع ممایلی البستان المعروف بہ [دهخند] بالدهخند محمد الزینقی [الزینقی] قطعہ منها يعرف [بیزر چوب لہ] [بیزرچون] و تصدقت [ایضاً بسہم واحد و واحد] ایضاً بکل عشرہ سہام من سہام واحد [افشادہ] من سہام القریہ المدعوہ بجیورن عنی البترا لئدی امرت بحفرہ فی هذا القریہ و علی عمارتہ و عمار بیت البشر و علی عمارت المسجد الذي هو فوق - هذا لبیت و عنی المتولی نسقی الماء فیہ یصرف فاضل دخل هذه تصدقہ لئی ثمن الدلو و نرسنا و الکدہ [کدہ اسقاطی] و الشرب [ظرف أبخوری] و نکیزات [دمہ آہنگری] و آلالات [تمحتاجہ لیہا] و قد امرت المنوفی بالدویرہ لئی ننسبها عنی باب الجامع العتیق التي ننسبها علی باب الجامع العتیق الصوفیہ و تمضیت لہ و [افضیت] ان یشتري [لئہ بقور] ثلث من البقور المسلمان فی الشهور الثلثہ رجب و شعبان و یدیح فی کل شہر بقورہ و یتصدق بہومها علی فقراء و المساکین و الارامل و یتصدق مع کل واحد من البقور کف رغیف واحد علی الفقراء حسب ما جرت عادتی فی حال حیونی وقتت بجمع ذلك وقتاً صحیحاً شرعياً موبداً بالشروط المذكورہ فی عقود الوقیفہ ابتغاء لمرضات الله و صلناً لنوابہ و هو بالعقابہ فلا یحل لئوی و لا الطائفہ و لا المتقلب و لا غیرہم تبدیل و تغییرہ فمن فعل ذلك فعلیہ لعنہ الله و الملائکہ و الناس جمعین و اجر لواقف عنی الله تعالی و قد عهد لواقف متمصدق بہذا تصدقات عهدی لئی الله و ميثقہ الی کل قبہ و متولی بقوم ہامر هذه الاراقاف و المواضع المذكورہ فیہ من تمقصورہ و تمدرسہ و الخانقاہات و القنات و اهل الحرم و غیرہا موجداً من الله تعالی من عشرہ توابع عنی ما قال لله تعالی و تو حقہ یوم [یوم حصادہ] فما فضل من ذلك یدہ بعمارتہا [تمحتاجہ] لئہا فما زد علیہا یصرفہا لئی الوجود المذكورہ فی عقود الوقیفہ فرحم الله امرأ نظر فی الآثار خمارتاش بن عبدالله و دعائہ بالفرو المغفرہ و الرحمہ و الرضوان یغفرہ.

چاه‌ها و قنات‌های حفرشده در خانه‌ها و عمارت مسجد و نحوه مصرف آب و چگونگی اداره قنات مسجد جامع توضیح داده می‌شود. توزیع قربانی برای خمارتاش، در سه ماه رمضان، رجب و شعبان از متون این کتیبه است.

کتیبه پنجم

این کتیبه به خط نسخ و کوفی است که از ضلع غربی، شروع و در آخر همان ضلع پایان می‌یابد و درباره وقف‌نامه و شرح تقسیم آب خمارتاش است. این کتیبه در بالای کتیبه چهارم قرار دارد و بدون تزیینات خاصی از نوع کوفی مزهر ترکیب‌بندی شده است که در نوع خود کم‌نظیر است.^۱ چگونگی تقسیم آب قنات مسجد جامع بین اهالی قزوین از مضامین این کتیبه است.

نتیجه

۱. مطالعه و بررسی مسجد جامع قزوین از جوانب مختلف دارای اهمیت و قابل تأمل است. مطالعه آن مانند پرده‌برداری از یک موزه و گنجینه پابرجا و ماندگار از دوران اسلامی، سده‌های اول اسلامی تا دوره قاجاریه، محسوب می‌شود. معماران می‌توانند در مورد طرح، فضاسازی و سیر تحول معماری و مصالح، بدان بپردازند. کارشناسان تاریخ اجتماعی می‌توانند با مطالعه مفاد کتیبه‌ها به روابط اجتماعی حاکم و رعیت و علاقه‌ها و اعتقادات آن

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم - يقول العبد الضعیف المستظهر بعفور به خمارتاش بن عبدالله ماء القنات انخمار تاشیه جمعته قسمتاً بین اهل القزوین فربعه لاهل طریق ابهر یاخذون حظهم من رأس سکه شریح و سد سه لاهل رستق القطین (القضب) یاخذون شریهم من رأس دیوکه [دوکه] و ربعه لاهل المدینه العتیقه یاخذون نصیبهم من موضعین من رأس سکه الا کافیر [الاکافین] عند المسجد و من باب الجامع العتیق النافذ الی رستق الضباغه فلا یحل لاحد تغیر هذه الجمعه فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله و الملائکه و الناس اجمعین فرحمته الله من دعا له بالمغفرة و لمن قال آمین المدة وان طالقت قضیره و الماصی للمقیم عبده و المیت الهی عظه و نیس لا مس عوره و للمراء من غد علی ثقه و الاول للاوسط جایز و الاوسط للاخیر قائم و کل لكل لا حق و الموت لكل سائق. آن آثار نائدل علینا فانظروا بعدنا الی آلائار تمت عمارت هذه البقعه فی آخر سنه تسع و خمسمائه» (حاج سیدجوادى، مساجد ایران، تهران: سروش، ص ۳۳۴-۳۳۷).

زمان دست یابند. همچنین کارشناسان ادبیات عرب می‌توانند با مطالعه متون کتیبه‌ها به زیبایی، فصاحت کلام، محتوا و صنعت ادبی آن‌ها دست یابند. هنرمندان خطاط نیز می‌توانند با مطالعه اسنوب و روش‌های گرافیکی و نوشتاری خطوط متفاوت کتیبه‌ها، خطوط را تجزیه و تحلیل کنند و از این طریق به واقعیات هنری بکر و اصیل کتیبه‌ها پی ببرند.

۲. در این مقاله، کتیبه‌های پنج‌گانه شبستان جعفری مانند کتابی تاریخی و ارزشمند مطالعه شده است. از این طریق مقاصد حاکمان متولیان امور مساجد آن دوره که بر دیوارها منقور و منقوش شده است، بررسی می‌شود. از اهم اهداف متولیان، لطافت فضای شبستان به آیات کریمه و از سوی معرفی افراد خیر، نیکوکار و عاشق است که باعث تشویق و ترغیب سایر اهالی می‌شد. شناسایی خطوط اسلامی، سنجش درجه زیبایی‌ها و معرفی ویژگی‌های آن در این مسجد از دیگر اهداف تحقیق در این زمینه است.

با توجه به آنچه در این مقاله در مورد کتیبه‌های مسجد جامع قزوین نقل شد، می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

۱. زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود در هر جامعه در ترویج و محتوای کتیبه‌ها تأثیرگذار است.

۲. محتوای کتیبه‌ها با تعیین موقعیت و محل کاربرد آن مطابقت دارد.

۳. کتیبه‌ها علاوه بر محتوا، دارای خصوصیات زیباشناختی و هماهنگی در عناصر بصری است.

۴. در اکثر کتیبه‌های مسجد جامع قزوین به مفاهیمی از جمله نماز، زکات و نهی از ریا تأکید شده است.

۵. مساجد، نمونه کامل تجلی حقیقت الهی (نام، کلام و معنا) است.

۶. هنرمندان کتیبه‌نویس تأثیر عمده‌ای در مفاهیم و محتوای کتیبه‌ها دارند (اثر هنری،

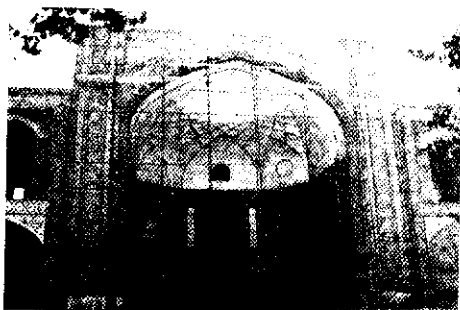
آیین و جودی مؤثر خود است).

۷. اسلام زمینه‌های مناسبی برای رشد و توسعه هنری جوامع اسلامی فراهم کرده

است که این رشد و توسعه در مساجد جامع درخور بررسی است. مسجد جامع قزوین نمونه‌ای آشکار از این توسعه هنری است.

منابع و مأخذ

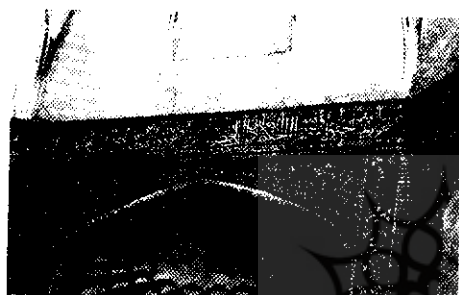
- آصف‌زاده، محمد باقر (۱۳۷۴). *قزوین در گذرگاه هنر، قزوین: بحر العلوم.*
- آقامحمدی، عباس (۱۳۷۷). *سیمای استان قزوین.* تهران: طه.
- حاج سیدجوادی (۱۳۷۳). *مساجد ایران (متن عربی)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زارعی، باب الله (۱۳۷۳). *کتابخانه کوفی مسجد جامع قزوین.* تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی‌بادی، محمد (۱۳۷۸). «*جنبه‌های جمال در مسجد*». ویژه‌نامه معماری مسجد، گذشته. حال. آینده. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۳۱۱.
- گلریز، سیده‌محمدعلی (۱۳۷۷). *مینودر یا باب‌الجنه قزوین.* تهران: دانشگاه تهران، ص ۶۰.
- دردشتی، فیروزه (۱۳۷۹). «*هنرمندان و معماران عمده فراه در روزنامه انتخاب*». ش ۳۲۷، خرداد، ص ۶.
- نفیسی، علی‌کبر (ناظم لاصباء) (۱۳۴۳). *فرهنگ نفیسی.* تهران: کتاب‌فروشی خیام.



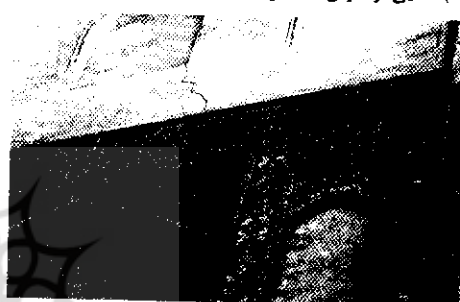
(۲) نمایی از ایوان جنوبی.



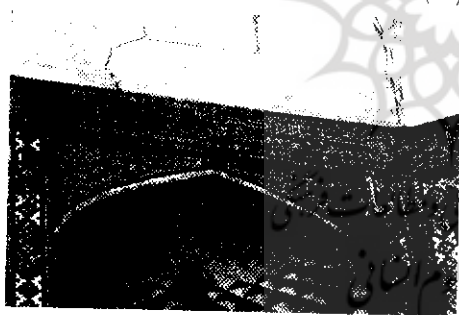
(۱) نمایی از ایوان شمالی.



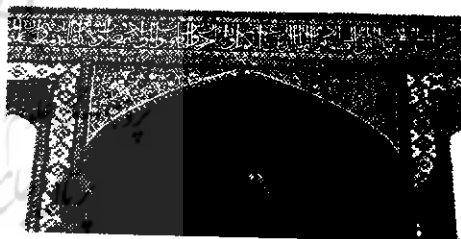
(۴)



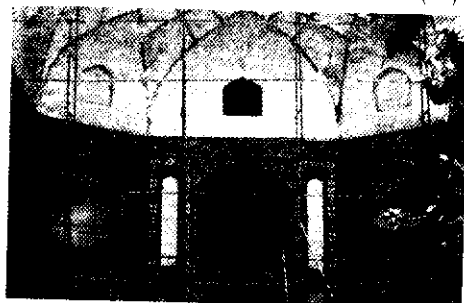
(۳)



(۶)



(۵)

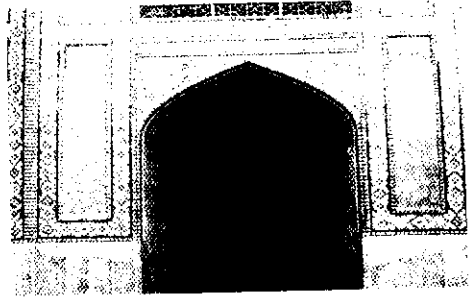
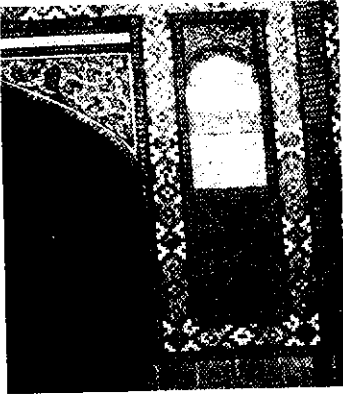


(۸)



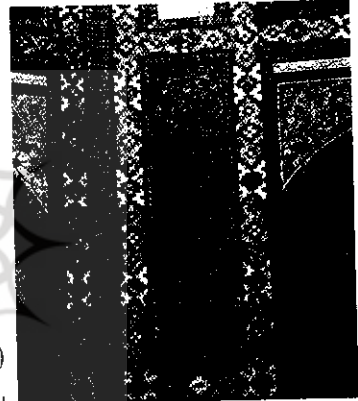
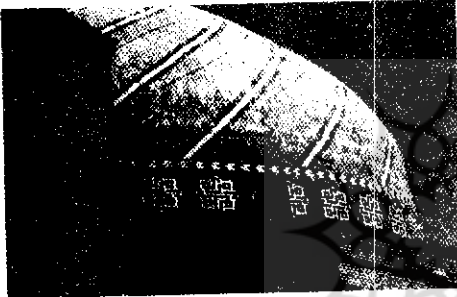
(۷)

تصاویر ۳ تا ۸ - بخش‌هایی از ایوان جنوبی با کتیبه سوره جمعه در کاشی آبی لاجوردی

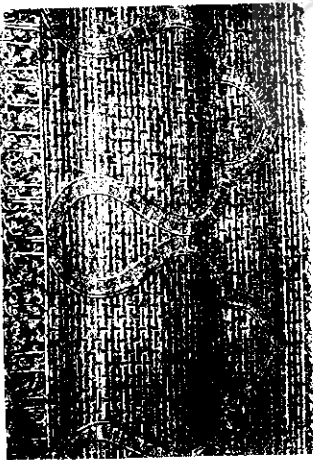


(۹) ورودی ایوان جنوبی با فرامین پادشاهی با کتیبه‌ای در خط نستعلیق.

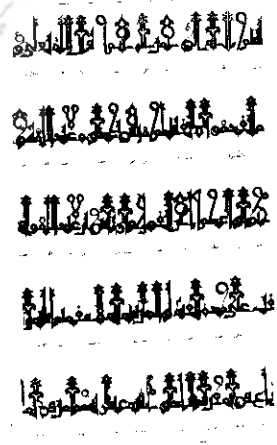
(۱۰) ورودی ایوان جنوبی سمت راست با فرامین شاه سلیمان صفوی با کتیبه‌ای در خط نستعلیق. ▲



(۱۱) ورودی ایوان جنوبی سمت چپ با فرامین فتحعلی شاه قاجار با کتیبه‌ای در خط نستعلیق. ▲



(۱۳) کوفی مزهر (گلداز) از کعبه‌بری‌های شیستان اصلی مسجد جامع. ▶



(۱۴) کتیبه سوم به خط کوفی بر زمینه‌ای ماریج.